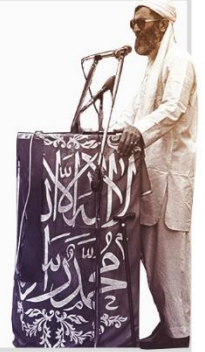




واجب فراموش شده

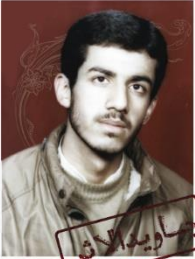


ما باید خود را به سرچشمه‌ی اسلام برسانیم تا زندگی به تمامی شیرین شود. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» من می‌خواهم این واجب فراموش‌شده‌ی اسلام را به یاد شما و ملت ایران بیاورم؛ امر به معروف و نهی از منکر همه‌ی آحاد مردم باید وظیفه‌ی امر کردن به کار خوب و نهی کردن از کار بد را برای خود قائل باشند. این، تضمین‌کننده‌ی حیات طیبه در نظام اسلامی خواهد بود. عمل کنیم تا آثارش را ببینیم.

چند کلام حرف



روز عفاف؛
روژه حجاب



شهید محمدعلی جهانی

متولد ۱۳۴۵

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۰

عملیات کربلای ۵ - شلمچه



خدایا! گناه من بیش، اما رحمت تو از گناهان من بیشتر و روی این انگیزه، خودم را برای شهادت آماده کرده‌ام.

(فرازی از وصیت‌نامه)

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات و فرایض بسیار مهم و بزرگ اسلامی به‌شمار می‌رود، و افرادی که این فریضه‌ی بزرگ الهی را ترک می‌کنند یا در برابر آن بی‌تفاوتند گناهکار خواهند بود و کیفری سخت و سنگین در انتظار آن‌هاست. امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل وجوب آن جزو ضروریات دین مبین اسلام به‌شمار می‌آید.



رساله‌ی آموزشی عبادات مطابق فتاوی‌ حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) چاپ چهارم، صفحه ۳۹

امر به معروف و نهی از منکر حوزه ۲۴۵ بدر

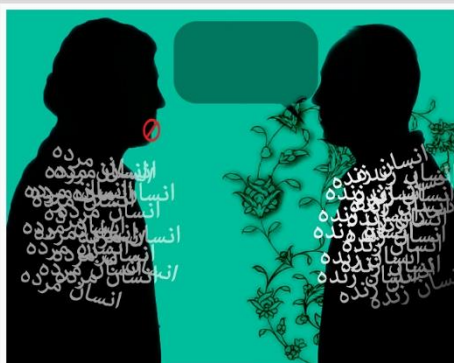
سال اول VaAshura.blog.ir

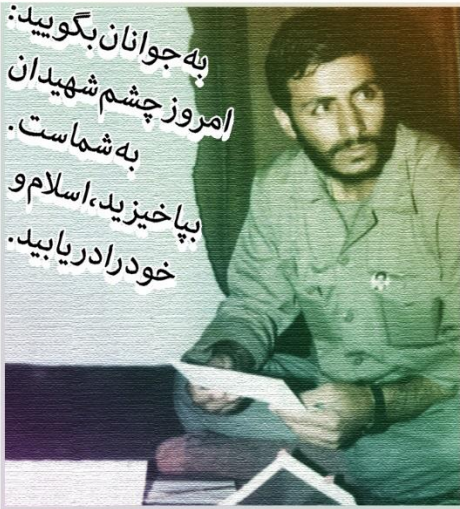
شماره اول VaAshura@chmail.ir

قرآن می‌فرماید: « وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ »؛ اگر در برابر قاتل ایستادید و او را به قصاص رساندید، زنده‌اید (وگرنه مرده‌اید).

البته، زنده یا مرده بودن فرد برای همه روشن است؛ اما زنده یا مرده بودن جامعه نیاز به درکی بالا و شعور اجتماعی دارد. به همین دلیل در پایان آیه می‌فرماید: «یا اولی الاباب»؛ یعنی اگر شما اهل فهم و درایت بالا باشید، این حقیقت را درک می‌کنید. جامعه‌ای که هرکس هر غلطی انجام دهد، احدی معترض او نمی‌شود، جامعه‌ی مرده‌ای است.

در حدیث می‌خوانیم: «کسی که در برابر خوبی‌ها و بدی‌ها بی‌تفاوت است، مرده‌ای است که در میان زنده‌ها نفس می‌کشد». کتاب امر به معروف و نهی از منکر - حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی - صفحه ۶۹ تهذیب- ۱۸۱





به جوانان بگویید:
امروز چشم شهیدان
به شماست.
بپاخیزید، اسلام و
خود را دریا بید.



هر که تجارت می کند باید از ۵ چیز دوری گزیند و گرنه اصلاً خرید و فروش نکند
اصول کافی جلد ۵ صفحه ۱۵۰

با
کتان عیب
قسم خوردن
بدگویی از کالایی که می خرد
تعریف از کالایی که می فروشد

روز عفاف
روژه حجاب

مادرم گریه کن که اسلام در خطر است

۲۱ تیرماه به مناسبت قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد علیه کشف حجاب (در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی) به دستور رضاخان به پیشنهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان روز عفاف و حجاب نام گذاری شد. مقوله ای که از سوی عناصر مومن و حزب الهی در برهه ای زمانی نادیده گرفته شد ولی در آن سو از سوی مروجان بدحجابی و عوامل جنگ نرم دشمن همیشه در صدر کارها و عملیات های روانی بود. دیگر زمانی رسید که با بدحجابی به شکلی گسترده مواجه شدیم.

موضوعی که پیش از اسلامی بودن، ایرانی است و پیش از ورود اسلام زنان ایرانی محبوب به چادر بودند. طوری این موضوع مظلوم ماند که اگر نزد ایرانیان حرف از ایران باستان بزنید با چهار ساعت حرف و اظهار مفاخر آن دوران و بزرگی کورورش و عظمت تخت جمشید و اینها میکنند و وقتی می گویی چادر در تخت جمشید هست اصلاً زیر بار نمی روند. در بسیاری مواقع صحبت از اسلام و پیامبر و مناقب قرآن و ... می کنند به حجاب که می رسند قبول نمی کنند. به شهدا گران قدر این مرز و بوم می رسند تعریف و تمجید و آنها خیلی خوب بودند و اینها می کنند اما به وصیت نامه و آن قسمت حجاب می رسند نفی می کنند. نمی دانم به قول دوستی، کاری که رضا شاه با توپ و تشر و زور نتوانست انجام دهد، مردان بی غیرت این مرز و بوم به درستی و کامل انجام دادند. برخی مصداق آیه ای شریفه ۸۵ سوره ی بقره هستند: **أَفْتَوْهُمْ نُونُ بَعْضِ الْكُتُبِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضِهَا**. آیا شما به پاره ای از کتاب ایمان می آورید و به پاره ای کفر می ورزید؟ البته در این جا نمی توان نقش مسئولین و نهادهای اجتماعی را هم نادیده گرفت که آن ها هم با تسامح و در جایی نیز با زمینه چینی (یا عامدانه و خائنانه به تمام مقدسات و اسلام و و یا نابخردانه) کمک های شایانی به بحث بدحجابی می کنند.



می خواهند پوشش داشته باشند می گویند: من زخم ... درد آور است ... که آزاد نباشم ... تا تو به گناه نیفتی...
تاسف بار است.. که باید لباس هایم را.. به میزان ایمان تو تنظیم کنم (هومن شریفی)
مادرم زمانی که خبر شهدا تم را شنیدی گریه نکن، زمان تشیع و تدفینم گریه کن، زمان خواندن وصیت نامه ام گریه نکن. فقط زمانی گریه کن که مردان ما غیر رافراموش می کنند و زنان ما عفت را...
وقتی جامعه ما را بی غیرتی بی حجابی گرفت، مادرم گریه کن که اسلام در خطر است. وصیت نامه شهید سعید زقاقی



با سرو وضع افتضاحی وارد اتاقم شد و از من درخواست یک نامه کرد. نامه رو آماده کردم و تحویلش دادم. تشکر کرد و خواست از جاش بلند بشه بره بهش گفتم: ببخشید خانم شرمنده اما بهتر نیست یک مقدار حجابتون رو درست کنید؟
گفت: نه میشه. گفتم: جسارته ببخشید میشه پیرسم چرا؟ جواب داد: آخه شوهرم اینجوری دوست داره و بهم گفته اینجوری بیا بیرون.
خندم گرفت و در جواب گفتم: مطمئن باشین شوهری که دوست داره ناموش اینجوری بیاد بیرون تا دیگران هم از لذت برون خودشم چشمش دنبال ناموس دیگرانه تا ازونا لذت ببره، میگین نه ایندفعه که رفتین بیرون خوب به چشمای شوهرتون نگاه کنید. چند روز بعد با ناراحتی زیاد و حجابی مناسب برگشت. بهم گفت:
تازه متوجه حرف شما شدم...

عکس: سایت پوش

